

بسمه تعالی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری

وزیر محترم کشور

با سلام

شکایات متعددی از سوی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم که صلاحیت آنها توسط هیأت‌های اجرایی و یا نظارت شورای نگهبان، مورد تأیید قرار نگرفته به ریاست جمهوری یا هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی واصل شده و یا در نطق‌های پیش از دستور مجلس و یا تذکرات نمایندگان اعلام شده، مبنی بر این که دلایل و مدارک رد صلاحیت آنها، در اختیارشان قرار نگرفته تا بتوانند در مقام اعتراض قانونی با استحضار از دلایل و مدارک مزبور توضیحات لازمه را بدهند و نسبت به احقاق حق خود اقدام نمایند، در حالی که به نص قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام باید علت رد صلاحیت و دلایل آن به داوطلب ابلاغ شود و حتی در مواردی که موضوع با امنیت ملی اصطکاک دارد نیز، باید، طبق بند ماده واحده مزبور از طریق کمیسیونی متشکل از: رئیس ستاد فرماندهی کل قوا، وزیر اطلاعات و وزیر کشور در این خصوص تصمیم‌گیری شود.

علاوه بر نص قانونی، لزوم دادن دلایل و مدارک رد صلاحیت داوطلب از استلزامات عقلی شناختن حق اعتراض قانونی رد صلاحیت برای اوست زیرا بدون اطلاع از دلایل و مدارک رد صلاحیت نمی‌تواند در مقام اعتراض، دفاع و استدلال موجهی نماید و به طور طبیعی اعتراض او به لحاظ مستدل و موجه نبودن رد می‌شود.

از آنجا که مسأله در اختیار قرار ندادن دلایل و مدارک رد صلاحیت داوطلبان به حد شیاع رسیده و در نتیجه شبهه قوی تضییع حق اجتماعی بسیاری از افراد و محروم کردن آنان از مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (موضوع بند ۸ اصل سوم قانون اساسی) و محدود کردن آزادی‌های سیاسی و

اجتماعی آنان (موضوع بند ۷ اصل مزبور) وجود دارد، با عنایت به اصل ۱۱۳ قانون اساسی که رئیس‌جمهور را مسؤول اجرای قانون اساسی می‌شناسد و در اجرای مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که رسیدگی، کسب اطلاع، پیگیری و اخذ توضیح از مقامات مسؤول در جهت ایفای مسؤولیت اجرای قانون اساسی از وظایف و اختیارات ریاست جمهوری قلمداد شده است، اطلاعات و توضیحات لازم را در این زمینه در اختیار رئیس‌جمهوری قرار دهید.

سیدمحمد خاتمی

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

حضرت آیه الله جنتی
دیر محترم شورای نگهبان

با سلام

شکایات متعددی از سوی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم که صلاحیت آن‌ها توسط هیأت‌های اجرایی و یا نظارت شورای نگهبان، مورد تأیید قرار نگرفته به ریاست جمهوری یا هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی واصل شده و یا در نطق‌های پیش از دستور مجلس و یا تذکرات نمایندگان اعلام شده، مبنی بر این که دلایل و مدارک رد صلاحیت آن‌ها، در اختیارشان قرار نگرفته تا بتوانند در مقام اعتراض قانونی با استحضار از دلایل و مدارک مزبور توضیحات لازمه را بدهند و نسبت به احقاق حق خود اقدام نمایند، در حالی که به نص قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام باید علت رد صلاحیت و دلایل آن به داوطلب ابلاغ شود و حتی در مواردی که موضوع با امنیت ملی اصطکاک دارد نیز، باید، طبق بند ماده واحده مزبور از طریق کمیسیونی متشکل از: رئیس ستاد فرماندهی کل قوا، وزیر اطلاعات و وزیر کشور در این خصوص تصمیم‌گیری شود.

علاوه بر نص قانونی، لزوم دادن دلایل و مدارک رد صلاحیت داوطلب از استلزامات عقلی شناختن حق اعتراض قانونی رد صلاحیت برای اوست زیرا بدون اطلاع از دلایل و مدارک رد صلاحیت نمی‌تواند در مقام اعتراض، دفاع و استدلال موجهی نماید و به طور طبیعی اعتراض او به لحاظ مستدل و موجه نبودن رد می‌شود.

از آنجا که جز شورای نگهبان مرجع دیگری برای رسیدگی به اعتراضات داوطلبان رد صلاحیت شده قانوناً وجود ندارد و مسأله در اختیار قرار ندادن دلایل و مدارک رد صلاحیت داوطلبان تقریباً به حد شیاع رسیده و در نتیجه شبهه قوی تضییع حق اجتماعی بسیاری از افراد و محروم کردن آنان از مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (موضوع بند ۸ اصل سوم قانون اساسی) و محدود کردن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی آنان (موضوع بند ۷ اصل مزبور) وجود دارد، خواهشمند است با عنایت به اصل ۱۱۳ قانون اساسی که رئیس‌جمهور را مسئول اجرای قانون اساسی می‌داند و در اجرای مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که رسیدگی، کسب اطلاع، پیگیری و اخذ توضیح از مقامات مسئول در جهت ایفای مسؤولیت اجرای قانون اساسی از وظایف و اختیارات ریاست جمهوری قلمداد شده است، اطلاعات و توضیحات لازم را در این زمینه در اختیار رئیس‌جمهوری قرار دهید.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

www.KetabFarsi.com

بخش نهم

اصل ۵۳ قانون اساسی

مکاتبات مربوط به اصل ۵۳ قانون اساسی

آقای محمد کاظم انبارلویی سردبیر روزنامه رسالت طی مقاله‌های متعددی که در سال ۱۳۸۲ در روزنامه رسالت نوشت از نقض گسترده اصل ۵۳ یعنی عدم واریز دریافت‌های دولت به خزانه کل کشور و نیز عدم اجرای اصل ۴۵ قانون اساسی در مورد انفال از سوی برخی از دستگاه‌ها به ویژه وزارت نفت انتقاد نمود و در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۳۰ نامه شکایت آمیزی جهت رسیدگی به هیأت تسلیم نمود. مکاتبات و بحث‌های مختلفی در طول مدت بیش از یک سال در رابطه با ادعای مزبور صورت گرفت و سرانجام هیأت طی نامه مورخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ نظر خود را به رییس جمهور اعلام کرد که ذیلاً نوشته آقای انبارلویی خطاب به هیأت در سال ۱۳۸۲ و نامه اخیر وی به ریاست جمهوری و دو نامه دیوان محاسبات در تاریخ‌های مختلف و با نظریات متفاوت و پاسخ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و نامه اخیر وزارت نفت و نظریه هیأت نقل می‌شود. سایر مکاتبات در پرونده مربوطه موجود است.

بسم الله الرحمن الرحيم

هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

بارها رییس محترم جمهور که مجری قانون اساسی است، بر اجرای کامل قانون اساسی تأکید فرموده‌اند. منتهی این تأکید بر اجرا صرفاً در حوزه سیاسی بوده است. حوزه اقتصادی را به دست فراموشی سپرده‌اند.

اصل ۵۳ قانون اساسی تأکید دارد کلیه دریافت‌ها در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود، همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. اصل ۱۲۶ مسؤولیت امور برنامه و بودجه را به عهده رییس‌جمهور نهاده است. ۷ سال است رییس‌جمهور محترم بودجه کل کشور را با نقض اصل ۵۳ تقدیم مجلس می‌نماید. بودجه کل کشور چیست؟ بودجه از دو ستون تشکیل شده است: «دریافت‌ها»، «پرداخت‌ها»، «منابع»، «مصارف»، «درآمد»، «هزینه».

درخصوص پرداخت‌ها یا مصارف یا هزینه سخن بسیار است که فعلاً محل گله و شکایت این‌جانب نیست. اما در ستون دریافت‌ها، منابع و درآمد ارقام میلیاردی حذف شده و پنهان سازی می‌شود. مثلاً این ارقام میلیاردی در ستون درآمد عمومی دولت احصاء نمی‌گردد.

۱- فروش نفت خام در داخل که ارزش واقعی آن ۱۰ میلیارد دلار است.

۲- فروش نفت خام بیع متقابل

۳- درآمد ناشی از فروش نفت معاوضه سوآپ

۴- فروش گاز در داخل و خارج

۵- سود سهام و مالیات ۵۶ شرکت بزرگ پتروشیمی

۶- سود و مالیات بانک‌های دولتی

۷- عدم واریز سود و مالیات بیش از ۱۶۰۰ شرکت دولتی

۸- عدم واریز سود و مالیات شرکت‌های دولتی سوخته مندرج در بودجه کل کشور قانون محاسبات عمومی واژه «دریافت‌های دولت» را تعریف کرده است. در این تعرف حقوقی سود سهام، مالیات و فروش ناشی از انحصارات دولت را جزء دریافت‌های دولت محسوب می‌کند که باید به حساب درآمد عمومی خزانه واریز شود. متأسفانه دولت در این ۷ سال برخلاف اصل ۵۳ قانون اساسی دریافت‌های خود را به خزانه واریز نمی‌کند.

شاید گفته شود دولت‌های پیشین هم این گونه بوده‌اند. پاسخ این است که اولاً دولت‌های پیشین ادعای اجرای کامل قانون اساسی را نداشتند. ثانیاً دولت آقای میرحسین موسوی درگیر جنگ و هزینه‌های کمرشکن آن بود و دولت آقای هاشمی درگیر بازسازی زیر ساخت‌های کشور، اکنون که ما با یک اقتصاد پویا با رشد ۸ درصدی روبرو هستیم آیا باید همچنان با نقض اصل ۵۳ قانون اساسی روبرو باشیم؟ اصل ۴۵ قانون اساسی انفال و ثروت‌های عمومی را در اختیار حکومت اسلامی می‌داند، تا طبق مصالح عامه در مورد آن تصمیم‌گیری کند. در بودجه سالانه دولت اصلاً ردیف درآمدی به نام انفال وجود ندارد.

بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی کشور یعنی نفت، گاز، پتروشیمی دارای اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی نیست. بنگاه‌هایی که ۸۰ درصد درآمد انفال در آنجا متمرکز است.

بنده به عنوان احدی از ملت که به اندازه مالیاتی که می‌دهم در بودجه سهم هستم، از رئیس‌جمهور محترم و اعضای هیأت دولت به ویژه رئیس سازمان برنامه و بودجه شکایت می‌کنم. امیدوارم به شکایت حقیر رسیدگی کنید. در ضمن ممکن است مطالب گفته شده به لحاظ کارشناسی لازم به توضیح و تبیین باشد. هر وقت که از بنده دعوت بفرمایید برای توضیح شکایت و اثبات ادعای کارشناسی آن در خدمت هستم.

محمدکاظم انبارلویی

سردبیر رسالت

۱۳۸۲/۹/۳۰

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۵۳۴

تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۰

جناب آقای ستاری فر

ریاست محترم سازمان مدیریت و برنامه ریزی

با سلام

اخیراً طی برخی مقالات منتشره در یکی از روزنامه‌ها و نیز نامه ارسالی به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی از عدم رعایت اصول ۵۲ و ۴۵ قانون اساسی توسط دولت اعلام شکایت و از هیأت درخواست بررسی شده است. مشخصاً عنوان شده که ۷ سال است بودجه کل کشور با نقض اصل ۵۲ تقدیم مجلس می‌شود و در ستون دریافت‌ها منابع و درآمدها ارقام میلیاردی حذف و پنهان سازی می‌شود، از جمله ارقام درآمد میلیاردی که در ستون درآمد عمومی دولت احصاء نمی‌گردد، ارقام زیر شمرده شده است:

۱- فروش نفت خام در داخل

۲- فروش نفت خام بیع متقابل

۳- درآمد ناشی از فروش نفت معاوضه سوآپ

۴- فروش گاز در داخل و خارج

۵- سود سهام و مالیات ۵۶ شرکت بزرگ پتروشیمی

۶- سود و مالیات بانکهای دولتی و...

۷- عدم واریز سود و مالیات بیش از ۱۶۰۰ شرکت دولتی

۸- عدم واریز سود و مالیات شرکت‌های دولتی سود ده مندرج در بودجه کل کشور

همچنین عنوان شده است که برخلاف اصل ۴۵ قانون اساسی در بودجه سالانه دولت

اصلاً ردیفی به نام انفال وجود ندارد.

خواهشمند است دستور فرمایید توضیحات کافی در زمینه مسایل مطروحه و در

ارتباط یا بودجه و چگونگی اعمال اصول فوق‌الذکر قانون اساسی جهت بررسی و اعلام نتیجه به ریاست محترم جمهوری به این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۰۵۴

تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۹

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

روزنامه رسالت طی سر مقاله‌هایی در تاریخ‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۶ مهرماه ۱۳۸۲ تحت عنوان «حقوق ملت» و در تاریخ ۸۲/۹/۱۱ تحت عنوان «نقض مکرر قانون اساسی»، مطالبی درخصوص عدم اجراء و یا نقض برخی از اصول اقتصادی قانون اساسی توسط دولت به قلم آقای محمد کاظم انبارلویی نگاشته و از این که هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، به این مسایل توجهی نشان نمی‌دهد و اقدامی نمی‌کند انتقاد کرده، سپس آقای انبارلویی طی نامه‌ای که به شماره ۵۱۲-۸۲ مورخ ۸۲/۹/۳۰ در هیأت ثبت شده، خطاب به هیأت مواردی را به عنوان نقض اصول ۵۳ و ۴۵ قانون اساسی از سوی دولت، مطرح و خواستار رسیدگی هیأت شده است و عمدتاً در این ارتباط تنظیم بودجه کل کشور و تقدیم آن به مجلس از سوی رئیس‌جمهور را همراه با نقض اصل ۵۳ قانون اساسی اعلام نموده است، هر چند لایحه سالانه بودجه پس از تصویب مجلس، مورد بررسی شورای نگهبان قرار گرفته و اگر موارد موردنظر ایشان مغایر قانون اساسی بود، قاعدتاً می‌بایست شورای مذکور نسبت به آن اظهارنظر می‌نمود ولی به هر حال با طرح موضوع در هیأت، جهت روشن شدن وضعیت و اطلاع از چگونگی مسایل مطروحه، و عنداللزوم اظهارنظر مشورتی، مراتب به مناسب‌ترین مرجع مربوطه در قوه مجریه که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است منعکس و طی نامه شماره ۵۳۴-۸۲ مورخ ۸۲/۱۰/۱۰ خطاب به ریاست سازمان مذکور خواسته شده توضیحات کافی در زمینه مسایل مطروحه و در ارتباط با بودجه و چگونگی اعمال اصول موردنظر قانون اساسی، جهت بررسی و اعلام نتیجه به ریاست محترم جمهوری، به این هیأت ارسال دارند. رونوشت نیز به همراه تصویرنامه آقای انبارلویی به دفتر ریاست محترم جمهوری جهت اطلاع ارسال شد.

با عدم وصول پاسخ، طی نامه شماره ۱۳-۴۰-۸۳ مورخ ۸۲/۱/۱۸ به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، موضوع مجدداً پیگیری شد که رونوشت آن نامه نیز به دفتر ریاست جمهوری ارسال گردید.

با توجه به عدم وصول هیچ‌گونه پاسخی، موضوع از سوی کمیسیون ارتباطات، هیأت پیگیری شد و مآلاً با تماس تلفنی که با دبیرخانه دفتر ریاست سازمان گرفته شد، اعلام داشتند طبق دستور ریاست وقت سازمان در هاشم نامه هیأت، نامه بایگانی شده است (تصویر گزارش رییس کمیسیون ارتباطات) پیوست است.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که جزء قوه مجریه و در رأس آن معاون رییس‌جمهور قرار دارد، هیچ‌گونه پاسخی به درخواست توضیح و کسب اطلاعاتی که توسط هیأت منصوب از سوی رییس‌جمهوری و در واقع از طرف رییس‌جمهور در اجرای مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی به عمل آمده نداده است، متأسفانه همین رویه را برخی دستگاه‌های اجرایی دیگر نیز در مواردی داشته‌اند و این در حالی است که خود حضرت‌عالی بارها بر اولویت لزوم پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در موارد طرح شبهه مربوط به نقض قانون اساسی تأکید فرموده‌اید. به هر حال، مراتب جهت اتخاذ هرگونه تصمیم مقتضی اعلام می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۰۵۸

تاریخ ۱۳۸۳/۲/۳۰

جناب آقای مهندس خاتمی
ریس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

پیرو نامه شماره ۸۳-۴۰۵۴ مورخ ۸۲/۲/۲۹ در ارتباط با تعلل سازمان مدیریت و برنامه ریزی از پاسخ دادن به نامه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، امروز ۸۳/۲/۳۰ دورنگاری که تاریخ ۸۳/۲/۶ دارد به هیأت ارسال شد که در جلسه روز شنبه ۸۳/۳/۲ مورد بررسی قرار خواهد گرفت و تصویر آن جهت اطلاع ارسال می گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۹۶۴۷

تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۲

جناب آقای برادران شرکاء

معاون محترم رییس جمهور و رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۸۳-۴۰۵۴ مورخ ۸۳/۲/۲۹ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص عدم پاسخگویی سازمان مدیریت و برنامه ریزی نسبت به مکاتبات آن هیأت (تصاویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«به ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی به خاطر تعلل در پاسخ اخطار داده شود. ضمناً لازم است حتماً و هر چه زودتر این سازمان و دیگر دستگاه‌ها به مکاتبات هیأت پاسخ دهند و اگر حتی شائبه نقض قانون اساسی باشد با شدت با آن برخورد شود.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۷/۱۹۵۸۱۵ م

تاریخ ۱۳۸۲/۲/۶

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۵۳۴-۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۰ بدین وسیله موارد ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- پس از تصویب تبصره ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۵۸، درآمد حاصل از صادرات نفت خام به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود و تا سال ۱۳۸۱ نیز ارزش ذاتی نفت خام تحویل شده به پالایشگاه‌ها صفر در نظر گرفته شده است لکن در اجرای بند ۱ تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ و بند ۱ تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۲، بهای نفت خام و گاز تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی (تحت عنوان خوراک پالایشگاه‌ها) در قسمت‌های مختلف بودجه درج شده است، ردیف ۴۹۱۱۷۰ قسمت درآمدها و واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای در قانون بودجه سال ۱۳۸۲ و لایحه بودجه سال ۱۳۸۳ برای درج رقم مربوط به این سرفصل اختصاص داده شده است.

۲- فروش نفت خام بیع متقابل طبق قرارداد فی‌مابین شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های طرف قرارداد در بودجه شرکت ملی نفت ایران و در ردیف ۲۲۰۰۰۰ (شرکت ملی نفت ایران) ذیل سرفصل بازپرداخت وام‌های خارجی درج می‌شود.

۳- آثار مالی سوآپ نفت در حساب‌های شرکت‌های پالایشی، شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ملحوظ می‌شود. ارقام مربوط به سوآپ به عنوان جزئی از سرفصل‌های دریافت‌ها و پرداخت‌های شرکت‌های مزبور است.

۴- رقم فروش گاز در داخل کشور (خوراک پالایشگاه‌های داخلی) نیز همچون فروش نفت خام در داخل، در ردیف ۴۹۱۱۷۰ درج شده است. در صورتی که صادرات گاز وجود

داشته باشد رقم حاصل از صادرات در بودجه درج می‌شود.

۵- در صورتی که شرکت‌هایی دارای معافیت مالیاتی (نظیر معافیت ناشی از کسب درآمد از محل صادرات) نباشند قطعاً برای آن‌ها مالیات پیش‌بینی شده است. ضمناً تعداد شرکت‌های دولتی بخش پتروشیمی ۵۶ شرکت نمی‌باشد.

۶- مالیات بر فعالیت بانک‌های دولتی طبق مفاد قوانین مربوط و طی سال‌های اخیر طبق مفاد قانون برنامه سوم توسعه محاسبه و در سند بودجه درج می‌شود. در بودجه سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ برای بانک‌های دولتی مالیات و سود سهام پیش‌بینی شده است. ۷- تعداد شرکت دولتی ۱۶۰۰ شرکت نمی‌باشد. مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی شناسایی شده طبق جداول قسمت‌های هشتم و نهم قوانین بودجه سال‌های قبل و فهرست پیوست شماره ۳ قانون بودجه سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، در قسمت درآمدهای قانون درج و در طول سال مالی واریز می‌شود.

۸- هر ساله مالیات بر عملکرد سال قبل شرکت‌های دولتی سودده و سود سهام دولت در شرکت‌های مزبور در قسمت درآمدها ذیل سرفصل‌های مالیات اشخاص حقوقی دولتی (۱۱۰۱۰۰) و سود سهام شرکت‌های دولتی (۴۱۰۰۰۰) درج می‌شود.

حمید شرکاء

معاون امور اقتصادی و هماهنگی

بسمه تعالی

شماره ۲/۱۰۰/۲۵

جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای هاشم زاده هریسی تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲

عضو محترم هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و رییس کمیسیون ارتباطات

سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۸۱۱/هق مورخ ۸۳/۲/۱۳ نتیجه کار کارشناسی انجام شده

جهت هرگونه بهره‌برداری تقدیم می‌گردد:

۱- تطبیق قانون بودجه کل کشور با اصول قانون اساسی از وظایف شورای محترم نگهبان است که ابلاغ بودجه توسط مجلس شورای اسلامی به معنای عدم اشکال تلقی می‌گردد.

۲- بودجه کل کشور شامل بودجه عمومی، درآمدهای اختصاصی و بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت است که هر سال در قانون بودجه کل کشور تصویب و ابلاغ می‌گردد و ملاک حسابرسی دیوان محاسبات نیز همان قانون و سایر قوانین مالی کشور بوده است.

بنابراین:

درآمدهای احصاء شده در بندهای نامه فوق‌الذکر یا به عنوان درآمد عمومی دولت و یا به عنوان درآمد دستگاه اجرایی زیربند در بودجه کل کشور منعکس است و در صورتی که درآمدهای مزبور در بودجه کل کشور انعکاس نداشته باشد، عدم انعکاس منابع درآمدی یاد شده مستند به مجوزهای قانونی است. با توجه به مراتب فوق پاسخ بندهای نامه به شرح ذیل است:

۱- فروش نفت خام در داخل

طبق تبصره ۲۸ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ وجوه حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی به حساب خزانه در بانک مرکزی منظور می‌گردد. علاوه بر این از سال ۱۳۷۹، براساس ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم، صادرات فرآورده‌های نفتی، گاز، و

میعانات گازی درآمد شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران تلقی شده است و قبل از آن احکامی در این باره در قوانین بودجه سنواتی به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسید. با توجه به این‌که قوانین پیش‌گفته صرفاً در مورد صادرات نفت خام، فرآورده‌های نفتی و گاز الزاماتی وضع نموده است، لذا فروش نفت خام در داخل کشور همواره به عنوان درآمد آن شرکت پیش‌بینی و جزو منابع داخلی شرکت در قانون بودجه منظور و صرف هزینه‌های جاری شرکت ملی نفت ایران می‌گردد.

۲- فروش نفت خام بیع متقابل

در قوانین بودجه سنواتی، در بودجه سرمایه‌ای شرکت ملی نفت ایران (منابع)، سر فصل وام خارجی قراردادهای بیع متقابل پیش‌بینی شده و در قسمت مصارف، بازپرداخت وام خارجی قراردادهای بیع متقابل که از محل صادرات نفت خام انجام می‌شود، درج می‌گردد. فروش نفت خام بیع متقابل حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده (آورده سرمایه‌گذار خارجی به عنوان وام خارجی) به میزان تعیین شده در قرارداد صرف بازپرداخت سرمایه، سود و هزینه‌های تبعی سرمایه‌گذار خارجی شده و معادل آن به حساب اعتبارات دریافتی از دولت منظور می‌شود، آرتیکل‌های تعیین شده ابلاغی از این بابت به شرح ذیل می‌باشد:

به میزان اجراء پیشرفت طرح حساب «تملك دارایی‌های مالی» بدهکار و حساب «وام خارجی» بستانکار می‌شود.

بستکار

بدهکار

xxx

حساب دارایی‌های مالی

xxx

حساب وام خارجی

پس از پایان اجرای طرح و شروع بهره‌برداری به مقدار نفت خام صادراتی و درصد بازپرداخت وام خارجی (معادل ریالی) حساب «وام خارجی» بدهکار و حساب «دریافتی از دولت» بستانکار می‌شود.

xxx

حساب وام خارجی

xxx

دریافتی از دولت

بدین ترتیب درآمد فروش نفت خام بیع متقابل اگرچه به عنوان بودجه عمومی دولت به خزانه واریز نمی‌شود، لکن در بودجه کل کشور انعکاس دارد.

۳- درآمد ناشی از فروش نفت معاوضه «سواپ»

نفت خام و فرآورده‌های نفتی از کشورهای همسایه شمالی دریافت و حسب مورد در داخل کشور مصرف و معادل آن از جنوب کشور به حساب کشورهای همسایه شمالی نفت خام صادر می‌شود. در مقابل این خدمت به موجب بند (ب) ماده ۵ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ و براساس مصوبات هیأت مدیره شرکت مزبور درآمد حاصل از اقدام فوق به حساب درآمد شرکت ملی نفت ایران محسوب و در صورت‌های مالی شرکت ثبت می‌شود. بنابراین درآمدهای حاصل از معاوضه «سواپ» در قانون بودجه کل کشور جزء درآمدهای شرکت ملی نفت ایران منظور و منعکس می‌گردد.

۴- فروش گاز در داخل و خارج کشور

فروش گاز طبیعی به شرکت ملی گاز ایران با تصویب هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران به عنوان درآمد در بودجه شرکت ملی نفت ایران درج می‌گردد. از سال ۷۹ طبق ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم درآمد حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی به عنوان درآمد شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران تلقی شده است. بدین ترتیب صادرات نیز توأم با فروش در داخل در درآمدهای شرکت‌های مذکور در قانون بودجه درج می‌شود.

۵- سود سهام و مالیات ۵۶ شرکت بزرگ پتروشیمی

کل شرکت‌های زیرمجموعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران که نام آن‌ها در بودجه کل کشور به عنوان شرکت دولتی درج گردیده از ۳۰ شرکت تجاوز نمی‌کند. براساس تبصره ۳۱ قانون بودجه سال‌های ۷۷ و ۷۸ و تبصره ۳۰ قانون برنامه دوم توسعه و بند (ج) تبصره ۲۷ و تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ و بند (ج) تبصره ۲۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور سودا برازی شرکت‌های پتروشیمی در طرح‌های

توسعه و سرمایه‌گذاری آن‌ها به مصرف می‌رسد و مشمول ماده ۱۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشند لیکن با تصویب قانون جدید مالیات‌ها که کلیه معافیت‌های مالیاتی را لغو نموده، شرکت‌های دولتی پتروشیمی مالیات عملکرد خود را پرداخت می‌نمایند و سرمایه‌گذاری انجام شده در طرح‌های پتروشیمی که عموماً پس از بهره‌برداری از آن به عنوان شرکت دولتی شناخته می‌شوند به حساب افزایش سرمایه دولت در شرکت ملی صنایع پتروشیمی محسوب و نام آن‌ها در قانون بودجه کل کشور درج خواهد شد.

۶- سود و مالیات بانک‌های دولتی و...

به موجب ماده ۹۳ قانون برنامه سوم توسعه و آیین‌نامه اجرایی آن سود سالانه بانک‌های دولتی قبل از کسر مالیات صرف پرداخت سود اوراق مشارکت ویژه به بانک و بازپرداخت قسمتی از اصل اوراق مشارکت ویژه موجود در هر بانک خواهد رسید بنابراین اقدام صورت گرفته وفق مجوز قانونی بوده است.

۷- عدم واریز سود و مالیات بیش از ۱۶۰۰ شرکت دولتی

۸- عدم واریز سود و مالیات شرکت‌های دولتی سودده مندرج در بودجه کل کشور

مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی به ترتیب در ردیف‌های درآمدی شماره ۱۱۰۰۰۰ و ۴۱۰۰۰۰۰ قوانین بودجه به عنوان درآمد عمومی درج شده است. سود سهام شرکت‌هایی که سهام آن‌ها متعلق به دولت نبوده و به سایر شرکت‌های دولتی تعلق دارد جزو درآمد شرکت‌های سرمایه‌گذار است و نباید به عنوان درآمد عمومی محسوب شود.

میزان وصولی (واریزی) درآمدهای فوق طبق تفریغ بودجه سال ۱۳۸۱ به ترتیب ۱۷,۴۲۰ و ۲۳۳,۲۲۲ میلیارد ریال می‌باشد. بنابراین عدم واریز سود و مالیات شرکت‌های دولتی نمی‌تواند مطرح باشد.

ضمناً از آنجایی که اسامی ۴۵۷ شرکت دولتی (۴۴۴ شرکت دولتی - ۱۱ بانک و ۲ مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت) در قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور درج گردیده،

مستدعی است در صورتی که نام ۱۶۰۰ شرکت دولتی را که منطبق بر تعریف ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور بوده است در اختیار دارند، جهت اقدامات لازم قانونی در اختیار دیوان محاسبات کشور گذارده شود.

۹- هر چند تحت عنوان انفال ردیفی در بودجه کل کشور به تصویب نرسیده لکن بابت عناوین واگذاری اراضی منابع ملی - حق بهره‌برداری از معادن شن و ماسه و خاک رس معمولی - فروش فرآورده‌های جنگلی - درآمد حاصل از تعیین ماده معدنی و... درآمدهایی به ترتیب در ردیف ۸۴۰۲۰۶ - ردیف ۴۹۰۴۵۰ - ردیف ۵۲۰۱۰۴ و ردیف ۵۱۰۵۲۱ در بودجه کل کشور درج شده است که حسب مجوزهای قانونی یا به عنوان درآمد عمومی شناخته شده و یا به عنوان درآمد دستگاه اجرایی متولی آمده است.

سیدکاظم میرولد

بسمه تعالی

شماره ۲/۱۰۰/۲۴۳

تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۵

جناب آقای دکتر حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و ریاست هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

عطف به نامه شماره ۴۴۲۹-۸۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۳ و پیرو ادای توضیحات حضوری

برادر غفور پاکتهداد معاون دیوان محاسبات کشور ضرورتاً اشعار می‌دارد:

۱- چنانچه آگاهی دارید به موجب ماده (۱) قانون محاسبات عمومی بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر به نیل سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود و از سه قسمت (بودجه عمومی دولت - بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها - بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود) تشکیل یافته و تعاریف قانونی اعتبار - درآمد عمومی - دریافت‌های دولت - سایر منابع تأمین اعتبار - وجوه عمومی - درآمد اختصاصی - درآمد شرکت‌های دولتی و تعهد و هزینه در مواد (۷ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۳) قانون محاسبات عمومی به طور صریح بیان و موجد هیچ گونه ابهامی نبوده و هرگونه بحث نظری اشخاص را جهت قانونی می‌بخشد.

۲- اصل ۵۳ قانون اساسی مقرر فرموده است (کلیه‌ی) دریافت‌های دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و (همه‌ی) پرداخت‌ها (در حدود اعتبارات مصوب) و (به موجب قانون) انجام می‌گیرد. بنابراین فرض تناقض و تغایر حکم و موضوع قوانین عادی با حکم منصوص مذکور در قانون اساسی نه تنها بنا به اصل بدیهی قابل تصور نمی‌باشد بلکه الفاظ (کلیه) و (همه) مندرج در اصل (۵۳) در اطلاق و عموم بودن موضوع تردیدی ایجاد نمی‌نماید و بالتبع بحث نظری متوقف به قوانین موضوعه بوده و هرگونه تفسیر می‌بایست از مرجع صلاحیت‌دار (و در خصوص اصل ۵۳ قانون اساسی از شورای محترم نگهبان قانونی اساسی) درخواست گردد.

۳- در فصل چهارم قانون اساسی که مربوط به امور اقتصادی و مالی است به تصریح اصول ۴۴ و ۴۵ معادن از مصادیق بارز انفال و ثروت‌های عمومی و در اختیار حکومت اسلامی محسوب گردیده تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل شود و معادن بزرگ در بخش دولتی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار داده شده که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت بوده و علی‌الاصول هر استثنایی محکوم به نص می‌باشد و داشتن مقررات خاص (قوانین عادی) در مورد شرکت ملی نفت ایران نه مخصّص اصل قانون اساسی می‌تواند تلقی شود و نه دلیلی بر استثناء از حکم صریح اصل ۵۳ قانون اساسی محسوب می‌گردد.

بنا به مطالب معروضه و تعاریف قانونی موصوف در مقررات خاص و عام جاری کشور بالاخص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اولاً: به موجب قانون هدف و وظایف اساسی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران اعمال اصل مالکیت و حاکمیت ملی ایران بر ذخایر و منابع نفت و گاز کشور و بر صنایع و تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی و وابسته به آن در بهره‌برداری و بازاریابی بوده و محوری‌ترین وظیفه آن صیانت ذخایر و بهره‌برداری صحیح و مناسب از منابع نفت و گاز کشور است و اعمال حاکمیت بر انفال و ثروت‌های عمومی که در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد با شرکت‌های وابسته یا تابعه وزارت نفت نمی‌باشد.

ثانیاً: درآمد شرکت ملی نفت ایران و کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته آن می‌بایست در خزانه متمرکز شده و مطابق با هزینه‌های جاری و عملیاتی مربوط نسبت به تأمین بودجه آن اقدام گردد. زیرا مطابق ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی درآمدهای شرکت‌های دولتی (به استثناء بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه) باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی افتتاح می‌گردد تحویل شده و خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.

ثالثاً: علی‌القاعده مفهوم مخالف، حجیت نداشته و تاکنون شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران برحسب نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان از حکم اصل ۵۳ قانون

اساسی مستثنی نشده و رویه قانون‌گذاری نیز تاکنون بر تسری قوانین حسب مورد به شرکت‌های دولتی اعم از شرکت‌های موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی یا شرکت‌های مستلزم ذکر نام و یا تصریح نام یا دارای مقررات خاص بوده لکن علی‌رغم تصریح قوانین از جمله قانون نظام هماهنگ پرداخت شرکت ملی نفت ایران تاکنون از اجرای قانون مزبور خودداری کرده و در گزارشات تفریح بودجه سالانه کل کشور نیز مراتب تخلف به مجلس شورای اسلامی اعلام نشده و می‌شود.

رایعاً: از اعضاء محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی انتظار دارد در راستای تکلیف مقرر نسبت به اجرای دقیق و فوری حکم اصل ۵۳ قانون اساسی از سوی وزارت نفت و شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی ایران و کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته آن دستور اقدام فوری صادر فرمایند.

محمد رضا رحیمی

رییس کل دیوان محاسبات کشور

بسمه تعالی

شماره ۷۲۹۲/۱۶۹۶

تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۴

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم ریاست جمهوری و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

موضوع: اضافه نمودن سود خالص هر یک از شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت ایران پس از تصویب ترازنامه آن‌ها و پرداخت مالیات بردرآمد متعلقه به جمع سرمایه هر یک از آن شرکت‌ها

با سلام و احترام معطوفاً به نامه شماره ۴۴۳۰-۸۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۳۰ و پیرو مذاکرات مطروحه در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۸ در ارتباط با موضوع نامه شماره ۱۹۲/۱۰۰/۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ رئیس محترم دیوان محاسبات کشور مراتب زیر را به استحضار می‌رساند:

۱- استحضار دارند که از بدو ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور، با توجه به احتیاجات و اقتضائات صنعت بین‌المللی نفت، اداره امور این صنعت بزرگ ملی، نظیر صنایع مشابه در کشورهای معتبر جهان، به منظور آن‌که اقدامات و فعالیت‌های مربوط به آن از شمول مقررات دست و پاگیر دولتی برکنار باشد، به یک «شرکت» سپرده شده که همان «شرکت ملی نفت ایران» می‌باشد.

بدین ترتیب صنعت ملی نفت کشور، همان‌طور که در نام و قانون اساسنامه آن تصریح شده، به صورت «شرکت» و «طبق اصول بازرگانی» زیر نظر نمایندگان محترم صاحب سهام براساس مقررات مربوط اداره می‌شود و برحسب بند (ک) ماده ۳۵ قانون اساسنامه هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران مجمع عمومی شرکت‌های فرعی این شرکت محسوب می‌گردد. ضمناً یادآوری این نکته ضرورت دارد که قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران توسط شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (به موجب لوایح قانونی راجع به تأسیس وزارت نفت، مصوب مهرماه ۱۳۵۸ و تیرماه ۱۳۵۹ - تصویب

پیوست) تأیید گردیده و برحسب نظریه شماره ۶۰۲۵ مورخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ شورای محترم نگهبان قوانین جاری مادام که توسط مجلس محترم شورای اسلامی نسخ و نقض نگردیده و شورای نگهبان درباره آنها نظر تفسیری نداده باشد منع اجرایی ندارد و معتبر و لازم‌الاجرا می‌باشد و جواز اجرای آن قوانین به اصل خود باقی است. (تصویر پیوست)

۲- همان‌طور که استحضار دارند ضوابط و شرایط و کیفیات خاص مربوط به نحوه انجام عملیات علمی، فنی، اداری، مالی، استخدامی، بازرگانی و انجام معاملات و چگونگی اقدام به هر امری به منظور توسعه و پیشرفت هدف‌های شرکت در قانون اساسنامه شرکت به دقت پیش‌بینی گردیده تا شرکت بتواند به مدد کادر ورزیده و مجرب خود در عرصه‌های فنی و صنعتی و تجارتي و اداری و مالی در صحنه‌های جهانی با رقبای قوی پنجه، رقابت و برابری نماید و به همین جهت برای آن که با تغییر و تبدیل پی در پی قوانین و مقررات کشور اجرای وظایف و انجام عملیات و فعالیت‌های این شرکت دچار فتور و نقصان نشود و مقررات خاص حاکم بر انجام وظایف شرکت از ثبات و استحکام مقتضی، که لازمه فعالیت مؤثر و موفقیت‌آمیز شرکت است، برخوردار باشد در ماده ۵۷ قانون اساسنامه که هم‌اکنون لازم‌الاجراء می‌باشد تصریح شده است: «... شرکت جز در مواردی که صریحاً مقرر شده باشد از شمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به وزارت‌خانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولتی مستثنی خواهد بود.» همچنین در ماده ۶۶ قانون اساسنامه قانون‌گذار تأکید نموده است: «... قوانین و مقرراتی که کلاً یا بعضاً مغایر با مقررات این اساسنامه باشد در حدودی که مغایرت دارد نسبت به شرکت مجری نخواهد بود و مقررات این اساسنامه مادام که مصرحاً به موجب قانون نسخ نشده است معتبر خواهد بود.»

۳- البته در مواردی که به موجب تصمیم و تصویب مجلس محترم شورای اسلامی شرکت ملی نفت ایران مکلف به اجرای مقررات جدیدی گردیده، علی‌رغم آن که برخی از این مقررات در راه اجرای سریع طرح‌ها و برنامه‌های شرکت مشکلات و محظوراتی فراهم نموده، تصمیم و تصویب مزبور همواره برای شرکت مطاع و متبع بوده و به

تکلیف مقرر برحسب مورد عمل و اقدام نموده است. نظیر ترتیبات جدید مربوط به نحوه تأمین ارز مورد نیاز عملیات شرکت که قبلاً طبق مقررات ماده (۱۱) قانون اساسنامه شرکت صورت می‌گرفته است (و به موجب آن شرکت مجاز بوده هزینه و تعهدات ارزی خود را در داخل و خارج از کشور، به شرح مقرر در ماده مزبور، در حدود بودجه مصوب از محل درآمدهای ارزی خود بپردازد) لیکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشور این ترتیب یا یک اقدام شتابزده به موجب تبصره (۳۸) قانون بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور به شرح زیر تغییر یافته است:

«تبصره ۳۸ - قراردادهای فروش نفت به وسیله شرکت ملی نفت ایران از طرف دولت امضاء و وجوه حاصل از فروش نفت خام به هر صورت و فرآورده‌های نفتی صادراتی مستقیماً به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی ایران منظور می‌گردد. هر مبلغ که طبق بودجه مصوب شرکت مذکور از محل درآمد عمومی باید در اختیار شرکت ملی نفت ایران گذاشته شود به ترتیبی که نیازهای شرکت اقتضاء کند از طرف خزانه‌داری کل در اختیار شرکت قرار داده می‌شود.

بانک مرکزی ایران مکلف است ارزهای مورد نیاز شرکت ملی نفت ایران را به میزانی که شرکت تعیین خواهد کرد به شرکت مذکور بفروشد.»

لازم به ذکر است که علی‌رغم آن‌که در تبصره ۳۸ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ گفته شده هزینه‌های ارزی شرکت از محل درآمد عمومی به ترتیبی که نیازهای شرکت اقتضا کند از طرف خزانه‌داری کل در اختیار شرکت قرار داده می‌شود، عملاً شرکت همواره برای تأمین هزینه‌های ارزی خرید کالاها و خدمات و لوازم و ماشین‌آلات مورد نیاز برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و احداث تأسیسات و فعالیت تشکیلات صنعت نفت کشور دچار محدودیت‌ها و مضایقی بوده و اجرای ترتیبات مقرر در تبصره (۳۸) مزبور با سهولت و سرعت لازم مقدور نبوده است.

در سال‌های اخیر به موجب بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۰ قانون برنامه سوم در مورد نحوه تأمین هزینه‌های ارزی شرکت ترتیبات جدید دیگری در این مورد مقرر گردید که این ترتیبات به موجب بند (ح) تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۳ استمرار

یافت. به شرح زیر:

«ح - سرمایه‌گذاری شرکت‌های تابع وزارت خانه‌های نفت و نیرو با رعایت قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و براساس مفاد موافقتنامه‌های مبادله شده با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام می‌شود و هر سه ماه گزارش آن به کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.»

ضمناً در ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم، جهت انعقاد قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای اکتشافی و توسعه میدان‌ها با تأمین منابع مالی با طرف‌های خارجی یا شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی قانون‌گذار ترتیبات جدیدی مقرر داشته که به شرح زیر است:

«ماده ۱۴ -

الف - دولت موظف است طرح‌های بیع متقابل دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون و همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و بانک‌ها را در لوایح بودجه سالیانه پیش‌بینی و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

ب - به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت و حفظ و ارتقای سهمیه ایران در تولید اوپک، تشویق و حمایت از جذب سرمایه‌ها و منابع خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز به ویژه در میادین مشترک و طرح‌های اکتشافی کشور، اطمینان از حفظ و صیانت هر چه بیشتر با افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت و گاز کشور، انتقال و به کارگیری فناوری‌های جدید در توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی و امکان استفاده از روش‌های مختلف قراردادی بین‌المللی، به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود تا سقف تولید اضافی مندرج در بند (ج) این ماده نسبت به انعقاد قراردادهای اکتشافی و توسعه میدان‌ها با تأمین منابع مالی با طرف‌های خارجی یا شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی، متناسب با شرایط هر میدان با رعایت اصول و شرایط ذیل اقدام نماید:

۱- حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت بر منابع نفت و گاز کشور.

۲- عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری